

کتاب‌های تازه

مبارزه علیه وضع موجود



○ مبارزه علیه وضع موجود، جنبش دانشجویی
آلمان ۱۹۸۵-۱۹۵۵
○ تألیف: ساینه فون دیرکه
○ ترجمه: محمد قائد
○ ناشر: طرح نو، تهران، چاپ اول، تیر ۱۳۸۱،
۲۵۸ ص، ۲۰۰ تومان، شابک ۹۶۴.۷۱۳۴.۷۶۲

نظام مستقر آلمان غربی با دو انتخاب روبه‌رو بود: افزایش فشار پلیسی و ادامه وضعیت فوق‌العاده و پرونده سازی و گزینش برای استخدام در دستگاه‌های دولتی؛ یا تن دادن به عضویت جوانان خواستار دگرگونی در حکومت، در نظر گرفتن سهمی از گوی و میدان برای آنها، و کمک به کاستن از شدت اعتراض‌ها با سهمیم کردن مخالفان در امتیازهای حکومت کردن.

آینده کل اروپا مطرح بود. راه فاجعه بار اول در دهه ۱۹۳۰ تجربه شده بود و نظام، چاره معقولی نداشت جز اینکه به آزمون راه دوم رضایت دهد. برخی مخالفان متمایل به براندازی نیز پذیرفتند که وارد مجلس ملی شوند و تن به بازی‌های پارلمانی بدهند. به این ترتیب معترضان وارد دولت شدند تا همان طرح‌های مطلوبی را که در نظر داشتند، خود به اجرا درآورند.

اکنون شماری از جوانان پرخاشگر دهه ۱۹۶۰ در حکومت آلمان صاحب شغل و مقام‌اند آیا وضع موجودی که مسؤلیت آن با این گروه هم هست همان چشم‌انداز زیبایی است که وقتی دانشجو بودند وعده‌اش را می‌دادند؟ و آیا این دانشجویان سابق به ناراضیان آتی مجال خواهند داد تا به همین ترتیب وارد صحنه شوند و سهمی از گوی و میدان به دست آورند؟

این پرسشی است که نویسنده در فصل‌نهایی کتاب مطرح می‌کند و چنین پاسخ می‌دهد: «همواره تمایزی آشکار میان فرهنگ مسلط و فرهنگ مخالف وضع موجود جریان خواهد داشت.»

مباحث کتاب با یادداشت مترجم در ابتدای آن آغاز می‌گردد که در آن به مقایسه جنبش دانشجویی آلمان با اوضاع سیاسی ایران و ارائه تجربیات و نکات مهم کتاب می‌پردازد. سپس پیشگفتار مؤلف درباره تعریف مفاهیم «فرهنگ»، «خرده فرهنگ»، «فرهنگ مخالف وضع موجود» و «تسلط» و گزارشی از مباحث کتاب و اشاره‌ای به موضوع مورد بحث آمده است. مباحث اصلی در شش فصل سازمان یافته است:

در فصل اول فضای اجتماعی و سیاسی دهه ۱۹۷۰ که نسلی از دانشجویان فعال در آن رشد کردند، توصیف می‌گردد. این فصل به بحث پیرامون نخستین خرده فرهنگ‌ها - پدیده عربده جویان طبقه کارگر و اگزیستانسیالیست‌های طبقه متوسط - می‌پردازد که تنها در دوره‌ای کوتاه طی اواسط و اواخر دهه ۱۹۵۰

جنبش دانشجویی در آلمان، در سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۸۵، جنبشی بود بر پایه فرهنگ «مخالف وضع موجود»، تحقیق حاضر نیز به بررسی ریشه‌ها و ساختار و تاریخ خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ «مخالف وضع موجود» از دهه ۱۹۵۰ تا نیمه ۱۹۸۰ می‌پردازد.

یکی از تجربه‌های مهم قرن بیستم، ورود جوانان انقلابی آلمان غربی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ساختار دولت بود. از آلمان پس از جنگ جهانی دوم تصویر دموکراسی با ثباتی برخوردار از فرهنگی یکدست و عاری از تضاد در ذهن‌ها برساخته شده است. اما واقعیت این است که از نخستین سال‌های پس از جنگ و در دهه ۱۹۵۰ آلمان نیز شاهد اعتراض سیاسی حول موضوع‌های تسلیحاتی بود. یک دهه بعد، جنبش دانشجویی به صورت خیزش ابتدا فرهنگی، سپس اجتماعی و آنگاه سیاسی، هماهنگی و آرامش ظاهری عصر آندائر را به کلی درهم ریخت و تأثیرهای پایدار بر تحولات بعدی جامعه آن کشور گذاشت. پیدایش جنبش دانشجویی نشانگر آغاز فرهنگ «مخالف وضع موجود» در آلمان غربی بود، فرهنگی که طی سالیان به نیروی سیاسی با اهمیتی تبدیل شد. درک آلمان امروزی بدون آگاهی از تحولات تاریخی و تعلقی در این فرهنگ مخالف وضع موجود ممکن نیست.

سیر جنبش از این قرار بود که جوانان آلمان، سرخورده از سیر وقایع و بی‌اعتماد به نسل پیش، ابتدا دو راه در پیش گرفتند: درس خوانده‌ها، اگزیستانسیالیست‌هایی شدند با لباس‌هایی همواره سیاه به علامت سوگواری برای جامعه‌ای که در آن منظور از حرف زدن کتمان حقیقت است و قصد از سکوت، انکار آن؛ و جوانان طبقه کارگر، عربده جویانی شدند لباس‌های چرمی بر تن و سوار بر موتورسیکلت‌هایی پرسر و صدا. دسته اول طبقه متوسط را نگران می‌کرد و دسته دوم او را می‌ترساند.

اواخر دهه ۱۹۶۰ اوضاع وخیم‌تر شد. گروهی از جوانان به این نتیجه رسیدند که حرف بس است. پس سلاح برداشتند تا نظام مستقر را سرنگون کنند. آنها مخالفت خود را با وضع موجود به شدیدترین شکل ابراز می‌داشتند. ادامه چنان وضعی نیروهای منزوی شده فاشیست را به مقابله با رادیکالیسم چپ فرامی‌خواند و هر آنچه اروپای لیبرال بعد از جنگ دوم رشته بود، پنبه می‌شد.

رشد کردند. فصل اول معیارهای مطالعه حاضر در تمایز نظری بین «خرده فرهنگ‌ها» و «فرهنگ‌های مخالف وضع موجود» را هم توضیح می‌دهد.

فصل دوم به نخستین فرهنگ واقعاً مخالف با وضع موجود اختصاص دارد. فرهنگی که در دانشگاه ریشه گرفت و از این رو جنبش دانشجویی خوانده می‌شود. رفتن جنبش دانشجویی به سوی آثار مکتب فرانکفورت - عمدتاً آثار هربرت مارکوزه، تئودور آدورنو و والتر بنیامین - به سبب حمله این مکتب به ایدئولوژی «بورژوازی» خودمختاری فرهنگ و هنر در این فصل ردیابی می‌شود. در فصل سوم نقد ادبی در نیمه دهه ۱۹۷۰ بررسی می‌شود و محور بحث، «ذهن‌گرایی جدید» و تبعات تروریسم بریگادسرخ برای فضای سیاسی آلمان است. بحث در ذهن‌گرایی جدید بار ایدئولوژیکی سنگینی داشت. پس از سیاسی‌شدن ادبیات و روی آوردن به ژانرهای ادبی عملگرا و مستند طی دهه ۱۹۶۰، بسیاری از منتقدان از ذهن‌گرایی جدید به عنوان بازگشت نویسندگان آلمان غربی به ادبیات شیوا و مضامینی واقعاً ادبی از قبیل ذهنیت فردی خوشامد گفتند: نویسنده در این فصل با بررسی رمان لحظه احساس حقیقی اثر پیتر هانتکه و اعلامیه مشهور مرگ بوباک نشان می‌دهد که دامنه بحث ذهن‌گرایی جدید از حد و حدود ادبیات فراتر می‌رفت. این نه تنها گسستی کامل از جنبش دانشجویی دهه ۱۹۶۰ نبود، بلکه کمکی مهم به شکل‌گیری فرهنگ مخالف وضع موجود در دوران پس از ۱۹۶۸ به حساب می‌آمد.

دو فصل چهارم و پنجم درباره جنبش‌های جدید اجتماعی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ است. بررسی حاضر بجای پرداختن به تجزیه و تحلیل تک‌تک جنبشهای اجتماعی جدید، حول این محور می‌گردد که برای مخالفت بنیادی بسیاری از جنبش‌های جدید اجتماعی، شماری خاستگاه مشترک وجود داشت. در نتیجه، این مخالفت‌ها در رشته‌ای از مفاهیم، تلقی‌ها و رفتارهای فرهنگی اشتراک داشتند که آنها را از حد تفاوت‌ها فراتر می‌برد و به پدیده فرهنگی واحدی تبدیل می‌کرد.

فرهنگ بدیل (جایگزین) بی‌صدا نبود و مجاری انتشاراتی خویش را که در درک آن از خویشتن نقشی مهم بازی می‌کرد به راه انداخت. مطالعه حاضر به بررسی متونی غیر ادبی از قبیل اعلامیه‌ها، برنامه‌های سیاسی و بالاتر از همه، مقالاتی از دی تاگس زایتونگ، روزنامه یومیه فرهنگ بدیل آلمان، می‌پردازد. فصل چهارم به این روزنامه اختصاص دارد که از آن با عنوان دی تاگس یاد می‌شد و تا امروز یکی از موفق‌ترین تلاش‌ها برای ایجاد حوزه‌ای بدیل در عرصه فرهنگ عمومی بوده است.

فصل چهارم نه تنها تکامل تاریخی دی تاگس را به اختصار بیان می‌کند، بلکه با تحلیل برداشت آن از روزنامه‌نگاری و طرز کارش در مقایسه با مطبوعات متداول نشان می‌دهد چگونه بازگشت به مقوله ذهنیت با زبان عرصه زندگی عمومی انجام شد.

فصل پنجم با بررسی دقیق بخش فرهنگی روزنامه دی تاگس از ابتدای انتشار آن در سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ به بحث در مفاهیم زیباشناسانه و رفتار فرهنگ بدیل می‌پردازد. این فصل تحلیل می‌کند که چگونه مفهوم بدیل سیاست مشارکت‌جویانه و برخاسته از کف جامعه به فرهنگ مشارکت‌جویانه ترجمه می‌شد. برگرفتن عناصر فرهنگ خلقی به سبب طبیعتی مشارکت‌جویانه و دسته‌جمعی که تصور می‌رفت در آن نهفته باشد، رد فرهنگ ادبی بسیار روشنفکرانه و رفتن به سمت زیباشناسی بدن، تصویر مشخصه فرهنگ بدیل در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ بود.

فصل ششم متمرکز بر جنبش زیست بوم و حزب سبزهای آلمان است. جنبش زیست بوم، دقیقاً به این سبب که تبدیل به حزب سیاسی ماندگاری شده، پایدارترین تأثیر را بر جامعه آلمان غربی گذاشته است. افزون بر این، سبزه‌ها غالب خواست‌های جنبش‌های جدید اجتماعی مختلف را در خود جمع کردند و از این رو می‌توان آنها را به حق سخنگوی فرهنگ بدیل تا نیمه دهه ۱۹۸۰ دانست. موضع این فرهنگ سبز - بدیل را متهم می‌کردند که نه تنها ضد نظریه بلکه ضد زیباشناسی هم هست. میحت زیست بوم‌گرایی و حزب سبزها مثالی کامل برای تحلیل ناکامی سبزها در ایجاد نظریه منسجمی در حیطه زیباشناسی است.

نتیجه‌گیری کتاب، از باب مقایسه، به اجمال به دگرگونی سرمشق‌های زیباشناسی از جنبش دانشجویی تا فرهنگ بدیل سبزها می‌پردازد. مسیر قوسی این تحول را می‌توان چنین خلاصه کرد: فرهنگ بدیل از زیباشناسی تجویزی مارکسیسم متعارف در اواخر جنبش دانشجویی، که مبتنی بر موضوع طبقات با تعریفی سفت و سخت بود، جدا شد و به جانب جذب دوباره انواعی از مواضع زیباشناسی مبتنی بر تکرر فرهنگی در آلمان معاصر رفت.

سرانجام اینکه تغییرهای مداوم فرهنگ مخالف وضع موجود آلمان از ابتدای پیدایشش در دهه ۱۹۶۰ در واقع نمایانگر خود فروختگی به فرهنگ مسلط هست یا نه، آخرین پرسش کتاب است.

در خاتمه لازم به ذکر می‌داند که نویسنده، خانم سایینه فون دیرکه، استادیار زبان و فرهنگ آلمانی در دانشگاه پیتسبورگ آمریکا است و این کتاب در سال ۱۹۹۷ از سوی انتشارات دانشگاه نبراسکا منتشر شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع